

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمس الدین امانتی

۱۱ می ۲۰۱۷

## وزیر قاجاچی، معلم بی سرپناه، مدرسه بدون نیمکت و مضحکه انتخابات!

به «یمن» جنجال مضحکه انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری، رقابت میان جناحهای حکومتی، سردرگمی ناشی از بُن بست این نمایش انتخاباتی و افشای پرونده فساد باند های مافیائی وابسته به رژیم اسلامی حاکم بر ایران توسط نامزد های پُست ریاست جمهوری هر روز ابعاد تازه تری به خود می گیرد.

اخیراً «محسنی اژه‌ای» در رابطه با واردات پوشاک به مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان به وسیله دختر وزیر آموزش و پرورش، گفت «شرکت "آمیتیس طراوت کودک"، متعلق به «احمد آشتیانی» وزیر آموزش و پرورش رژیم اسلامی است که گزارشی از طریق نیروی انتظامی به حوزه قضائی لواسان رسیده بود مبنی بر این که در ویلائی در لواسان متعلق به وزیر آموزش و پرورش، کالای قاجاق تخلیه و از آنجا منتقل شده.» که ناچار امروز (سه شنبه، ۱۹ اردیبهشت [ثور]) علی لاریجانی، رئیس مجلس ایران «پرونده عضویت وزیر آموزش و پرورش این کشور در هیأت مدیره یک شرکت خصوصی را به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس فرستاده و خواهان پیگیری فوری آن شده است.»

افشای این داد و ستد یا به عبارتی دیگر، افشای لغو قواعد توافق شده قبلی نمایش انتخابات در میان جناح های وابسته به رژیم اسلامی، توسط رسانه های عمومی در مناظره روز جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه به منظور فریب افکار عمومی توسط «قالیباف» این فرمانده سابق نیروی انتظامی رژیم و مسوول مستقیم فروپاشی "پلاسکو" که به مرگ دهها تن منجر گردید از ظرفیت بالائی از فساد و حقه بازی برخوردار است، خود او نیز در شهریور ۱۳۹۵، در پی افشای گزارش سازمان بازرسی رژیم اسلامی، پیرامون واگذاری بخش چشمگیری از املاک شهرداری تهران با تخفیف گسترده به افراد خودی و تعاونی‌های مختلف در رسانه‌ها به فساد متهم شده بود، گفت «وضعیت نامناسب معیشتی معلمان و همچنین فساد بزرگی که در دولت «روحانی» نسبت به صندوق ذخیره فرهنگیان به وجود آمده، وقتی وزیر آموزش و پرورش دولت دست به چنین کارهایی می‌زند و دغدغه او اینچنین اقداماتی است، چگونه می‌توان نسبت به بهبود وضعیت معلمان امیدوار بود؟».

طرح این اختلافات و افشای باند قاجاق کالای لباس کودکان تحت مدیریت و نظارت وزیر آموزش و پرورش رژیم اسلامی و دختر وی، اگرچه بیان واقعیت جنگ جناحهای حکومتی است، اما این بده بستان هیچ ربطی به منافع معلمان آگاه و زحمتکش در ایران زیر سلطه رژیم اسلامی ندارد.

معلمان آزادیخواه و سکولار یقیناً پای صندوقهای انتخابات نمایشی رژیم اسلامی نخواهند رفت و این مضحکه انتخابات را تحریم خواهند کرد.

در همین رابطه به مواردی از گزارش اخیر خبرگزاری مهر، که ارتباط مستقیمی با ارگان های تحت مسؤلیت احمد آشتیانی از برادران قاچاقچی سابق احمدی نژاد در رابطه با وضعیت مشقت بار معلمی به نام «احمد» و وضعیت غیر قابل تحمل مدرسه ای که او در آن تدریس می کند و در بخش دشتیاری از بخش چابهار در سیستان و بلوچستان قرار دارد را از زبان خود او بشنویم «شاید باورتان نشود گاهی پول بنزین موتور را هم ندارم به مدرسه بروم. وزارت آموزش و پرورش چند ماه پیش اعلام کرد تمام حقوق های گذشته را پرداخت کرده است، اما ۸ ماه است که حقوق دریافت نکرده ام.»

«اینجا هوا خیلی گرم است، در حال حاضر ۴۸ درجه است، به خدا، اصلاً نمی توانیم به سر کلاس درس برویم، خیلی از مدارس این منطقه حتی پنکه هم ندارند، به دلیل فقر و نداری، دانش آموزان مجبوراند با لباس های مندرس و پاره به مدرسه بیایند. مدرسه نیمکت ندارد، دانش آموزان در مدرسه بر روی زمین می نشینند، سقف مدرسه چوبی است.»



در ادامه این گزارش آمده است «احمد از این منطقه است. منطقه ای که اگر همانند احمدها نباشند این دانش آموزان از علم آموزی که حق طبیعی آنان است نیز محروم می شوند. او جزو نیروهای رسمی وزارت آموزش و پرورش نیست و از نگاه مسؤولان وزارت آموزش و پرورش رژیم اسلامی او معلم نیست. اما از نگاه دانش آموزان او «آقای معلم» است.»

«احمد» با انتقاد از وضعیت نیروهای خرید خدمات آموزشی به می گوید «تنها پیش از آغاز سال تحصیلی ۹۶، مبلغ ۴۰۰ هزار تومان آن هم به صورت غیر ثابت برایمان واریز شد. معلوم نشد، حقوق است یا عیدی سر هر ماه در انتظار واریز حقوق هستیم اما خبری نمی شود. مسؤولین به ما می گویند «اجباری برای تدریس شما وجود ندارد. شاید باورتان نشود گاهی پول بنزین موتور را هم نداریم که به مدرسه برویم مسافتی که تا مدرسه باید طی شود ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتر است اکثر مدارس این منطقه از امکانات آموزشی و جاده ای محروم هستند.»

شرح حال دردناک «احمد» این معلم شریف و زحمتکش بخشی از واقعیتی است که گریبانگیر اغلب مدارس، معلمان و دانش آموزان شهرها و روستا های وسیعی از مناطق مرزی و فقیر نشین است که تأثیرات منفی بر آموزش در این نوع از مدارس و مراکز آموزشی داشته و دارد.

اما در رابطه با «فخرالدین دانش آشتیانی» که با توجه به موقعیتش در گذشته در تحریف حقایق مهارت دارد از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ هم با سپاه پاسداران و هم با آموزش و پرورش رژیم اسلامی کار می‌کرد اکنون در سمت قاچاقچی لباس کودکان در دولت روحانی وزیر آموزش و پرورش است. وی ساکن ویلائی مدرن با تیمی از محافظین مفتخور در منطقه اعیان نشین لواسان در شهرستان شمیرانات است. در رابطه با پرداخت مطالبات فرهنگیان در پاسخ به خبرنگار مهر، می‌گوید «شما خبرنگاران فقط راجع به پول سوال می‌پرسید. فرهنگیان گفته‌اند به رسانه‌ها درباره پرداختی‌ها نگوئیم، هر وقت پرداختی داشته باشیم خود آنان متوجه می‌شوند.»!

این متد از نقل قول و این نوع از استدلال و وارونه جلوه دادن حقایق بخشی از متدولوژی این وزیر قاچاقچی است که گویا «فرهنگیان گفته‌اند به رسانه‌ها درباره پرداختی‌ها نگوئیم»، این دروغ محض است، طی سال تحصیلی جاری نه این که معلمان شاغل بلکه بازنشستگان و کارمندان آموزش و پرورش به وضعیت اسفبار معیشتی و عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایای خود در جلو مجلس رژیم اسلامی و ادارات آموزش و پرورش استاتنها تجمع اعتراضی برگزار کردند و یقیناً ابائی از افشای عدم پرداختی‌های نا چیز خود نداشته و ندارند. معلمان و مزدبگیران جامعه حقوق ماهانه‌شان علنی و هر سال در ابتدای سال جدید توسط شورای کار و نهادهای ضد کارگری رژیم اعلام می‌شود.

دستمزد سالانه معلمان نیز به عنوان بخشی از طبقه کارگر به همین شکل علنی و رسانه‌ئی می‌شود. آنچه از اذهان جامعه پنهان است حقوق دهه‌ها و صدها میلیون تومانی رؤسا، وزراء، فرماندهان ارتش و سپاه و آخوندهای مفتخور در ایران است. کارگران و معلمان با دستمزدهای اعلام شده که کفاف زندگی بخورنمیر خود و خانواده‌هایشان را نمی‌کند، به دلیل فقر شدید و پائین بودن دستمزدهای ۴ برابر زیر خط فقر، دچار کارتن خوابی، خیابان گردی، گدائی و به همت دولت "تنبیر و امید" مجبور به گورخوابی و ده‌ها معضل اجتماعی دیگری می‌شوند.

اما رؤسا، وزراء، سران نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و آخوندهای جاعل، میزان حقوق ماهانه، به اضافه دزدیهای کلان، رشوه‌های بزرگ و اختلاس‌هایی که رکورد جهانی شکسته‌اند با دستبرد و حیف و میل "بیت المال مستضعفین" به خارج کشور می‌گیرند و با میلیونها دلار در بهترین کشورهای جهان و با بالاترین امکانات زیستی و تفریحی به زندگی انگل وار خود ادامه می‌دهند. اینها اقلیت ناچیزی هستند که از آشکار شدن حقوق ماهانه و دزدیهای روزانه ابا داشته و با زبان وزیرحق‌باز و دزد آموزش و پرورش با روزنامه‌نگاران صحبت می‌کنند.

ابعاد این حقه بازی تحت عنوان نمایش انتخابات ریاست جمهوری در وزارتخانه حساسی که این کهنه پاسدار و قاچاقچی لباس در رأس آن قرار گرفته و بعد از ۳۸ سال حاکمیت ترور و خفقان، نیمکت برای نشستن دانش آموزان در مدارس موجود نیست و معلمان این مدارس ۸ ماه است حقوق دریافت نکردند، کافی است که معلمان و والدین دانش آموزان و تمام کارگران آگاه و مردم ستمدیده ایران پای چنین نمایشی نروند و آن را برای سران رژیم و مزدوران آنان خالی بگذارند.

ادامه این نوع از تبلیغ جهت شرکت در مضحکه انتخابات و بازار گرمی جناح اصلاح طلب و روحانی، کاندید مورد نظر آنان در دیداری متشنج با کارگران خشمگین معدن ذغال سنگ "زمستان یورت" در روز شنبه ۱۷ اردیبهشت [ثور] توسط کارگران مبارز و معترض به تمامیت رژیم اسلامی با سنگباران نامبرده و همراهانش همراه شد این اقدام انقلابی کارگران ناراضی، هیچ گونه تردیدی در رابطه با عدم صلاحیت این دارو دسته مافیائی از جناح‌های گوناگون رژیم اسلامی و شرکت نکردن در مضحکه انتخاباتی که هیچ گونه ربطی به حقوق پایمال شده مردم مبارز و آزادیخواه نخواهد داشت، باقی نگذاشت.

لازم است مردم ایران به جای شرکت در نمایش انتخابات رژیم اسلامی از کارگران معترض "زمستان یورت" بیاموزند.

انتظار می رود و بسیار طبیعی است که معلمان مبارز، سکولار و آزادیخواه، همراه با والدین دانش آموزان، کارگران آگاه، اقشار تهی دست و زحمتکش جامعه در این مضحکه تحت لوای انتخابات شرکت نکنند.

این کارزار مبتذل، مبارک گردانندگان آن باد.

۲۰۱۷ / ۵ / ۹